

یافته‌های پژوهشگران اروپایی نشان می‌دهد مهاجرت یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی قرن ۲۱ است

مهاجرت؛ جرقه درگیری‌های اجتماعی؟

سهیلا عباس پور خبرنگار

جیمز مدیسون، استاد مرکز سیاست مهاجرت مؤسسه دانشگاهی اروپایی و پژوهشگر جامعه‌شناسی دانشگاه سوند و اندرو گدس، استاد مطالعات مهاجرت و مدیر مرکز سیاست‌گذاری مهاجرت انستيو دانشگاهی اروپا در مقاله‌ای به بررسی نگرش شهروندان مخالف یا موافق مهاجرت با استناد به داده‌های برآمده از نظرسنجی ارزش‌های جهانی (۲۰۲۰–۲۰۱۷) از ۴۹ کشور پرداخته‌اند. نویسندگان، دیدگاه سومی را میان دو عامل رقابت اقتصادی و تهدید فرهنگی در موضع‌گیری شهروندان نسبت به مهاجرت ارائه داده‌اند که مهاجرت را به عنوان عامل درگیری اجتماعی معرفی می‌کند و رویکرد راست افراطی در مواجهه با مهاجران را با تکیه بر این اثر منفی مهاجرت تبیین می‌کند که همواره خطر مهاجران را پررنگ می‌سازد تا این نقطه درگیری را محل کسب رأی پوپولیستی خود کند.

جهانی اندیشیدن درباره مهاجرت

انگیزه‌های مهاجرت در رویه‌های آکادمیک مفهوم‌سازی عمدتاً در دو زمینه «رقابت اقتصادی» و «تهدید فرهنگی» قرار می‌گیرند که تصور می‌شود مهاجران این دو زمینه را برای فرد یا درون گروه ایجاد کرده‌اند. مقاله حاضر، امکان سومی را پیشنهاد و ارزیابی می‌کند: رویه حمایت از مهاجرت یا مخالفت با آن، با یک تلقی از اثرات مهاجرت بر درگیری اجتماعی معین می‌شود. با استفاده از نظر سنجی ارزش‌های جهانی از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ در ۴۹ کشور این مقاله نشان می‌دهد که به طور جهانی، در بیشتر کشورها شهروندان بسیار موافق این دیدگاه هستند که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود. میزان نگرانی درباره آثار مهاجرت بر درگیری اجتماعی، بیشتر از نگرانی‌های مربوط به بیکاری و فرهنگ در ۱۹ کشور پیشرفته با توسعه نامتوازن است. نگرانی از درگیری اجتماعی یک تمایز از نظر مفهومی و توزیعی است. اعتقاد به این که مهاجرت سبب درگیری اجتماعی می‌شود، اولویت‌های سیاست‌گذاری مهاجرت را پیش‌بینی و آن را با آموزش بیشتری توأم کرده است. یافته‌های این پژوهش اهمیت ظرفیت تحلیل تعارض نهادی دربرگیرنده موارد مربوط به ادغام برای سیاست‌های مهاجرتی است.

اگرچه توضیحات علمی برای گوناگونی رویکردها نسبت به مهاجرت در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته، اما این پژوهش می‌خواهد نوعاًروی گروه نسبتاًکوچکی از کشورهای مقصد اصلی مانند آمریکا یا کشورهای از اروپا و نیز استرالیا تمرکز کند. همچنین، توضیحات برای حمایت یا مخالفت با مهاجرت به این سمت می‌رود که پیرامون دورشته نظری ادغام شود: آن رشته‌هایی که اثر مهاجرت گسترده‌تر بر رقابت اقتصادی و تهدید فرهنگی را در نظر می‌گیرند. در این مقاله، تمرکز جغرافیایی گسترده‌تر شده تا راهبردها این رویکردها در سطح جهانی را دربرگیرد. در انجام این کار، سومین عامل شو و نادیده گرفته شده در صورت‌بندی رویکردی شناسایی شده است: اثر ادراک شده مهاجرت بر درگیری اجتماعی درون گروهی. برای انجام پژوهش از داده‌های نظرسنجی ارزش‌های جهانی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ برای نشان دادن هم توزیع و هم تمایز این تلقی که مهاجرت منجر به تعارض اجتماعی می‌شود، استفاده شده است.

همچنین پژوهشگران از جهت نظری، نگرشان را با چشم‌اندازهای سیاسی گسترده‌تر، ارزش‌ها و درنتیجه رویکردها به مسائل دیگر پیوند زده‌اند. اساساً یافته‌های این پژوهش آشکارا و به این دلایل اهمیت دارند: باقی ماندن مهاجرت به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی قرن بیست‌ویکم، داشتن پیامدهای مهم اقتصادی و طرح پرسش‌های عمیق حقوقی و قانونی برای میلیون‌ها نفر فراتر از دموکراسی‌های غربی بررسی شده به طور معمول. رویکردهای عمومی اجزای حیاتی این تعارض هستند، زیرا به طور فزاینده‌ای پارامتر اصلی را برای سیاست‌گذاران تشکیل می‌دهد و پرسش‌های سیاسی بسیار پریار و پیچیده‌ای از هویت، ارزش‌ها و اجتماع را به‌وجود می‌آورد. یافته‌های پژوهش برای سازمان‌های پشتیبان، دولت‌ها، ارتباط‌دهندگان، سیاستمداران و سیاستگذاران با هدف پدیدآوردن چهارچوبی برای سیاست مهاجرت پایدار کاربردهای عملی خواهد داشت.

ادبیات گسترده‌ای عوامل تعیین‌کننده حمایت یا مخالفت با مهاجرت را در نظر می‌گیرد. متغیرهای مشترک در نظر گرفته شده طیف وسیعی از عوامل اجتماعی عمیق و اولیه مانند ناهمگونی اجتماعی و تحصیلات، تا محرک‌های روانشناختی واسطه‌ای مانند ارزش‌های شخصی تا توضیحات کوتاه در مورد اشاره و تماس با مهاجران را شامل می‌شود. در توضیح انگیزه مستقیم تراجیبی مخالفت برخی افراد با مهاجرت، توضیحات معمولاً به دو دسته «رقابت اقتصادی» و «تهدید فرهنگی» تقسیم می‌شوند. از یک سو، تئوری رقابت اقتصادی مخالفت با مهاجرت را نتیجه اثرات منفی واقعی یا ادراک شده مهاجرت بر رفاه مادی فردی یا رفاه مادی گروه خود می‌داند. به این معنا، این نظریه مستقیماً از «نظریه تعارض واقع‌گرایانه» و بیشتر از «نظریه تعارض گروهی» نشئت می‌گیرد که به مرور زمان افزایش خصومت نسبت به مهاجرت را ناشی از افزایش شمار گروه‌های خارجی و بدتر شدن شرایط اقتصادی می‌داند. رویکرد تهدید فرهنگی نیز از سوی دیگر استدلال می‌کند که افراد با مهاجرت مخالفت می‌کنند، زیرا می‌ترسند این مهاجرت سبب تغییر در سنت‌های فرهنگی، مذهب، زبان و... جامعه آن‌ها شود. این رویکرد نیز تا اندازه‌ای بر اساس تعارض واقع‌بینانه است. این نظریه بر این است که افراد برای حفظ هژمونی فرهنگی «درون گروهی» خود، یعنی اکثریت، جمعیت «بومی» و در نتیجه موقعیت اجتماعی خود با پیامدهای مادی، با مهاجرت مخالفت می‌کنند. اما این مکانیسم مخالفت بیشتر در اصطلاحات حسی «اضطراب» یا «ترس» باقی می‌ماند و فرهنگ به‌عنوان بسته‌ای از علائق غیراقتصادی تلقی می‌شود که رفاه از آن ناشی می‌شود. به طور کلی، محققان تمایل دارند شواهد بیشتری در حمایت از دسته «تهدید فرهنگی» پیدا کنند – اگرچه بررسی‌های اخیر تا حدودی اهمیت ملاحظات اقتصادی را تأیید می‌کند – و در کنار هم، به عنوان توضیحی برای راست افراطی یا رادیکال نیز در نظر گرفته شده‌اند؛ کسب رأی پوپولیستی، باز هم با پشتیبانی بیشتر از «تهدید فرهنگی.» دلایل قانع‌کننده‌ای از نظر پژوهشگران برای این باور وجود دارد که مخالفان مهاجرت ممکن است با یک دیدگاه سومی این انگیزه مخالفت را داشته باشند – این پندار که مهاجرت خطر درگیری اجتماعی را افزایش می‌دهد – و این انگیزه با نگرانی‌های اقتصادی و فرهنگی متفاوت است. نخست باید توجه داشت که این انگیزه‌های سه‌گانه مقابل یکدیگر نیستند. با این حال، همان‌طور که نشان داده می‌شود تأثیر این تصور فراگیر بر مخالفت با مهاجرت به این دلیل که مهاجرت منجر به درگیری



اجتماعی می‌شود، از جنبه‌های مهمی برجسته است. اولاً، افراد نیازی به انگیزه «برنده شدن» در درگیری میان «درون گروهی» و «برون گروهی» خود (مهاجران)، از نظر رفاه اقتصادی، ترجیحات فرهنگی یا موقعیت اجتماعی ندارند، بلکه آن‌ها تنها اجتناب را در اولویت قرار می‌دهند. به نظر آن‌ها، مهاجرت به طور بالقوه سبب ایجاد تضاد اجتماعی می‌شود. بر اساس این مکانیسم، می‌توان تصور کرد افرادی که از نظر اقتصادی از مهاجرت سود می‌برند، ممکن است با این تصور مخالفت کنند و برعکس، همان‌طور که بارها مشاهده شده و نیز می‌توان تصور کرد، افرادی که فرهنگ آن‌ها از فرهنگ اکثریت گروه متمایز است (از جمله مهاجران و فرزندان آن‌ها) ممکن است با مهاجرت مخالفت کنند. گزاره نظری این پژوهش، بیشتر از یافته‌های روان‌شناختی در مورد مبنای ارزشی علائق مهاجرت مشتق شده است. دست‌کم سه دلیل وجود دارد که فکر کنیم ترجیحات فردی مهاجرت ممکن است متأثر از خطر درک شده درگیری اجتماعی باشد. اولاً، بارها نشان داده شده افراد با گرایش‌های ارزشی سیاسی محافظه‌کارانه، مخالفت بیشتری با مهاجرت دارند. یکی از دغدغه‌های فلسفی اولیه محافظه‌کاری، حفظ نظم اجتماعی است که برای رفاه و پیشرفت ضروری انگاشته می‌شود که شکسته نیز بوده و برقراری دوباره نظمی که یکبار شکسته، دشوار است. به این صورت، ترتیبات اجتماعی پایدار – از جمله ترکیب جمعیتی آن – به ویژه به دلیل عملکرد آرموده شده آن از نظر حل تعارض‌های اجتماعی و در صورت لزوم اقدام جمعی در شرایط نسبتاً هماهنگ، از سوی محافظه‌کاران ارزش‌گذاری می‌شود. درحالی‌که سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها، به ترتیب مهاجرت را به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به برابری انسانی بیشتر یا افزایش آزادی فردی می‌انگازند، محافظه‌کاران احتمالاً نسبت به خطرات چنین تغییر اساسی برای جامعه مانند ترکیب جمعیتی آن محتاط هستند. این تنها به این دلیل نیست که مهاجرت ممکن است به تغییرات ناخواسته اقتصادی یا فرهنگی منجر شود، بلکه عمیق‌تر از آن به دلیل این انگاره است که افزایش ناهمگونی و پیچیدگی اجتماعی ناشی از مهاجرت، اقدام جمعی و حل تعارضات اجتماعی بالقوه را دشوارتر می‌کند. برخی از معروف‌ترین مداخله‌های سیاستمداران محافظه‌کار علیه مهاجرت، به‌جای موضوعات اضطراب‌ری‌تر رقابت اقتصادی و تهدید فرهنگی، کاملاً بر پیش‌بینی درگیری‌های بین گروهی، خشونت بالقوه و اجتماعی متمرکز شده‌اند. با این حال، ارتباط بین ارزش‌های سیاسی نامبرده و نگرش‌ها نسبت به مهاجرت مشخص است خارج از فرهنگ‌های سیاسی – اساساً «غربی» – که در آن‌ها ارزش‌ها اغلب در اصطلاحات بالا بیان می‌شوند، محدود شود و این ما را به دلیل دوم هدایت می‌کند.

برخی از ارزش‌های شخصی و نه سیاسی – «ساختارهای انگیزشی پایدار یا باورها در مورد وضعیت‌های نهایی مطلوب که از موقعیت‌های خاص فراتر می‌رود و انتخاب یا ارزیابی رفتارها و رویدادها را هدایت می‌کند» – با نگرش به مهاجرت به شکلی مرتبط است که نشان‌دهنده نگرانی در مورد تعارض اجتماعی انگیزه ترجیحات سیاست مهاجرت انگیزشی است. به طور مشخص، این‌ها شامل ۱۰ مورد از ارزش انسانی جهانی و اساسی شوارتز است. ارزش دادن به سنت، انطباق و امنیت، مخالفت با مهاجرت را افزایش می‌دهد و ارزش دادن به جهانی‌گرایی آن را کاهش می‌دهد. ارزش‌ها به ترتیب عبارتند از: امنیت و ثبات جامعه، خودداری از کارهایی که شاید دیگران را ناراحت کند یا انتظارات و هنجارهای اجتماعی را نقض کند، پای‌بندی به آداب و رسمی که فرهنگ یا مذهب آن را ارائه می‌کند. درحالی‌که نظریه «تهدید فرهنگی» در مورد نگرش به مهاجرت با این یافته‌ها همسو می‌شود – به ویژه از جنبه ارزش‌گذاری سنت – «رقابت اقتصادی» با وضوح کمتری با یافته‌ها مطابقت دارد. پیشنهاد پژوهشگران مبنی بر اینکه افراد مخالف مهاجرت ممکن است نگران واکنش اخلاقی و هماهنگی اجتماعی و احتمال درگیری اجتماعی باشند، به خوبی با یافته‌های مربوط به اثرات ارزش‌گذاری امنیت و انطباق تطبیق دارد. سوم، اگرچه کلاً شواهد ضعیفی برای حمایت از این تصور وجود دارد که مهاجرت اثرات اقتصادی نامطلوبی بر شهروندان بومی دارد و تأثیر آن بر «ضعیف شدن» یا «غنی شدن» فرهنگ شاید به قدری ذهنی باشد که به سادگی قابل آزمایش نباشد، ادبیات زیادی وجود دارد که شواهدی را ارائه می‌کند مبنی بر این که تقسیم‌بندی قومی بیشتر در جوامع می‌تواند به درگیری اجتماعی منجر شود و مانع تحکیم دولت، دموکراسی و توسعه شود. مکانیسم علت و معلولی در این پژوهش فرض می‌کند که تقسیم‌بندی قومی بیشتر منجر به انسجام اجتماعی ضعیف‌تر می‌شود که شاید انتظار داریم نتیجه مهاجرت باشد. به این ترتیب، ممکن است یک توجیه تجربی و همچنین ایدئولوژیک و البته احتمالی و مناقشه‌برانگیز برای این باور وجود داشته باشد که مهاجرت منجر به تضاد اجتماعی می‌شود.

داده‌های جهانی از نگرش به مهاجرت

نظرسنجی‌های برجسته اجتماعی اغلب از پاسخ‌دهندگان در مورد میزان اعتقاد آن‌ها به تأثیرات خاصی از مهاجرت پرسیده‌اند. به عنوان مثال، نظرسنجی اجتماعی اروپا که یکی از پرکاربردترین منابع داده‌ای برای درک نگرش نسبت به مهاجرت است، هر دو سال یک بار از



پاسخ‌دهندگان در سراسر اروپا در مورد تأثیرات مهاجرت بر اقتصاد، فرهنگ و کیفیت زندگی سؤال کرده است. با این حال تا همین اواخر، هیچ نظرسنجی اجتماعی این باور را که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود، اندازه‌گیری نکرده بود. از سال ۲۰۲۰–۲۰۱۷ برای اولین بار سنجش ارزش‌های جهانی شامل سؤالاتی در مورد تأثیرات درک شده مهاجرت شد و از پاسخ‌دهندگان پرسید آیا موافق یا مخالف هستند که در کشورشان، مهاجرت: «تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند؛ «بیکاری را افزایش می‌دهد» و «به درگیری اجتماعی می‌انجامد»؟ این نظرسنجی همچنین از پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات درک شده دیگر، اعم از مشابه یا کمتر توریک مرتبط پرسیده است. در زمان نگارش این مقاله، داده‌های ۴۹ کشور از هر قاره منتشر شده بود که هرکدام بر اساس نمونه‌گیری احتمالی تصادفی بودند.

فراگیری تلقی

«مهاجرت باعث درگیری اجتماعی می‌شود»

بنابر بررسی‌ای اینکه مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود و نشان دادند این موضوع به اندازه‌گیری مهاجرت ۴۹ کشور مورد ارزیابی، چندین روند آشکار است. اولاً، تفاوت بسیار زیادی بین کشورها در نسبت موافق و مخالف وجود دارد. دوم، همان‌طور که در «کل» نشان داده شده است، تعداد بیشتری از شهروندان در جهان تا جایی که WVS نمایان‌گر آن است، موافق هستند که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی در کشور آنها می‌شود (۴۹ درصد). سوم، گرایش‌هایی بین قاره‌ها وجود دارد: هفت کشور از هشت کشور اروپایی بیشتر با این پیشنهاد موافق هستند. در مقابل، سه کشور با اکثریت انگلیسی‌زبان ایالات متحده آمریکا، استرالیا و نیوزیلند کمتر از میانگین روی این توافق دارند. به‌طور کلی، شهروندان در سی‌وهشت کشور از چهل‌ونه کشور مورد بررسی، بیشتر موافق هستند تا مخالف که مهاجرت سبب درگیری اجتماعی در کشورشان می‌شود. برعکس، فقط در کشورهای زیر مخالفت صادق است: اندونزی، چین، کره جنوبی، فیلیپین، ایران، ویتنام، تاجیکستان، نیوزیلند، آندورا، نیجریه و زیمبابو. از نظر منطقه‌ای، این عدم توافق نسبی شهروندان در شرق آسیا را برجسته می‌کند (به هنگ‌کنگ و تایوان رجوع کنید).

علاوه بر این، پژوهش به سه تصور نظریه‌پردازیشده رایج اشاره می‌کند: توافق مبنی بر اینکه مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود بیشتر از توافق در مورد افزایش بیکاری و اختلاف‌نظر در مورد تقویت تنوع فرهنگی به ترتیب در شانزده کشور نمونه‌گیری‌شده رایج است: آندورا، استرالیا، شیلی، کلمبیا، آلمان، هنگ‌کنگ، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، نیکاراگوئه، پورتوریکو، روسیه، صربستان، تایلند و ایالات متحده آمریکا. این کشورها به‌طور نامتناسبی دارای اقتصادهای توسعه‌یافته هستند. تنها در چهار کشور بیشتر احتمال دارد که شهروندان با این موضوع که مهاجرت تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند، مخالف باشند تا یا دو نظریه دیگر، که همگی در آسیا هستند: اندونزی، عراق، فیلیپین و کره جنوبی. در بیست‌وهشت کشور باقی‌مانده، شهروندان بیشتر بر این باورند که مهاجرت بیشتر از درگیری اجتماعی یا فرهنگ، پیامدهای زیانباری برای بیکاری دارد. در یک کشور گواتمالا تعدادی مساوی از پاسخ‌دهندگان با اظهارات مربوط به درگیری اجتماعی و بیکاری موافق بودند.

برجسته بودن این اندیشه که مهاجرت منجر به تضاد اجتماعی می‌شود با میزان بالایی از توافق خالص جهانی بر این امر نشان داده می‌شود و اکنون قابل قبول بودن گزاره نظری اصلی خود را در نظر می‌گیریم: چنین برداشتی نشان‌دهنده انگیزه سوم متمایز برای مخالفت با مهاجرت، فراتر از «اضطراب» فرهنگی است. این کار طی دو مرحله انجام می‌شود: اول، نمایاندن تمایز بودن این ادراک و دوم، نشان دادن اینکه توافق با اظهار آن تا چه حد سیاست‌های مهاجرتی ترجیحی را پیش‌بینی می‌کند.

برای نشان دادن تمایز بودن تلقی از درگیری اجتماعی، توافق در سطح کشور مبنی بر اینکه مهاجرت «به درگیری اجتماعی منجر می‌شود» را با توافقی که «تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند» مقایسه می‌کنیم. به سه دلیل این کار را انجام می‌دهیم: اولاً، ممکن است افراد دیدگاه‌های تک‌بعدی در مورد مهاجرت خود هستیم. ما همچنین می‌توانیم به‌طور متعادل پاسخ مثبت یا منفی بدهند. در این مورد، هر رابطه‌ای که به‌طور تجربی بین برداشت‌ها و نگرش‌های سیاستی نشان داده شده، لزوماً گزاره نظری پژوهش را پشتیبانی نمی‌کند؛ اگرچه باید توجه داشت که مطالعات قبلی نگرش به مهاجرت را در انگلیس و هلند چندبعدی نشان داده‌اند. نظریه «تهدید فرهنگی» در مورد نگرش‌های مهاجرت تا حدی به‌عنوان سبب از «اضطراب» و «ترس» غیراقتصادی تلقی می‌شود که از مسائل فرهنگی آشکار مانند زبان و سنت‌ها تا عوامل فرهنگی کمتر آشکار مانند ارزش‌ها را شامل می‌شود. در این مورد، ممکن است استدلال شود که گزاره ما در مورد ترس از تضاد اجتماعی ناشی از مهاجرت، به جای اینکه سومین رشته متمایز هر چند مکمل باشد، صرفاً در این رشته نظری گسترده‌تر قرار می‌گیرد. سوم، در حالی که تئوری «رقابت اقتصادی» معمولاً خودمحور است، از این نظر که معمولاً فرض می‌کند افراد

به دلیل بازار کار یا مالیات با مهاجرت مخالفت می‌کنند، رویکرد «تهدید فرهنگی» احتمالاً بیشتر اجتماع‌گرا است، زیرا معمولاً به حفظ نظم موجود فرهنگی اکثریت «بومی» مربوط می‌شود (اگرچه فرض بر این است که مخالف مهاجرت عضوی از این گروه است). از این نظر، احتمالاً به گزاره نظری ما در مورد ترس از درگیری اجتماعی نزدیک‌تر است، با وجود اینکه مورد دوم درباره فرهنگ، موقعیت اجتماعی یا دیگر اشکال منافع شخصی یا گروهی نسبی نیست.

در بررسی همبستگی میان موافقت با «مهاجرت منجر به تقویت تنوع فرهنگی می‌شود» و توافق بر این که مهاجرت «به درگیری اجتماعی منجر می‌شود» مشاهده شده که اساساً هیچ همبستگی‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، در بسیاری از کشورها تفاوت‌های زیادی در میزان پاسخ وجود دارد؛ برای مثال، در حالی که توافق خالص بین آلمانی‌ها مبنی بر اینکه مهاجرت «تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند» ۱۵ درصد است، همان رقم برای توافق که مهاجرت «منجر به درگیری اجتماعی می‌شود» ۷۵ درصد است. همچنین می‌توان دید که در اکثریت بزرگی از کشورها، شهروندان به‌طور هم‌زمان معتقدند که مهاجرت «به درگیری اجتماعی منجر می‌شود» و «تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند»، علی‌رغم اینکه اولی یک برداشت منفی و دومی مثبت است. این قویاً نشان می‌دهد که این‌ها مفاهیمی متمایز هستند.

مهاجرت منجر به تضاد اجتماعی می‌شود؟

اکنون قدرت پیش‌بینی در مورد سیاست مهاجرت ترجیحی توافق را می‌توان در نظر گرفت که مهاجرت باعث تضاد اجتماعی می‌شود. پس از انبوهی از سؤالات در مورد تأثیرات درک‌شده از مهاجرت، نظرسنجی ارزش‌های جهانی (۲۰۲۰–۲۰۱۷) پرسش‌های زیر را طرح می‌کند: «در مورد افرادی که برای کار از کشورهای دیگر به اینجا می‌آیند چطور؟ به نظر شما دولت باید کدام یک از این موارد را انجام دهد؟ ۱ هر کس می‌خواهد بیاید. ۲ تا زمانی که شغل وجود دارد اجازه دهید مردم بیایند. ۳ برای تعداد خارجی‌هایی که می‌توانند به اینجا بیایند محدودیت‌های سختی قائل شوند. ۴ ورود افراد از کشورهای دیگر به اینجا را ممنوع کنید.» مشخصاً، هم در این سؤال و هم یکی از چهار پاسخ به‌صراحت به «کار» و «شغل» اشاره می‌شود و احتمالاً پاسخ‌دهندگان را به فکر کردن درباره شرایط اقتصادی وادار می‌کند.

هنگامی که اولویت‌های سیاست مهاجرتی در سطح فردی به ترتیب با سه برداشت در مورد اثرات مهاجرت با استفاده از مدل‌های جداگانه با اثرات ثابت کشور پیش‌بینی می‌شوند، هر یک از سه برداشت دارای آثار آماری معنی‌داری مربوط به خود هستند. پژوهش نشان داد که تحصیلات بیشتر بر این باور که مهاجرت فرهنگ را تقویت می‌کند، تأثیر مثبت دارد؛ همان‌طور که در جاهای دیگر نشان داده شده است، تأثیرات غیرخطی به این باور دارد که مهاجرت سبب افزایش بیکاری می‌شود و به‌ویژه تأثیرات مثبتی بر این نظر دارد که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود. به‌طور قابل‌بینی‌تر، درآمد فردی رابطه منفی با این توافق دارد که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی و افزایش بیکاری می‌شود. همچنین، به‌طور جالبی، زن بودن با این باور بیشتر همراه است که مهاجرت منجر به افزایش بیکاری و درگیری اجتماعی می‌شود. این سه گزاره، توافق را به جای مخالفت پیش‌بینی می‌کنند که مهاجرت ۱ تنوع فرهنگی را تقویت می‌کند، ۲ بیکاری را افزایش می‌دهد و ۳ منجر به تضاد اجتماعی با استفاده از پیش‌بینی‌کنندهای اجتماعی –جمعیتی می‌شود.

رابطه مثبت بین تحصیلات و اعتقاد به اینکه مهاجرت منجر به تضاد اجتماعی می‌شود، احتمالاً نشان‌دهنده تمرکز جامعه در این شکل از نگرانی است؛ به جای حمایت از منافع اقتصادی، که کمتر برای افراد تحصیل‌کرده برجسته است، یا سنت‌گرایی فرهنگی که نیز کمتر میان این قشر فراگیر است. تحصیلات، بیشتر آگاهی فرد را از تعارضات از جمله موارد ناشی از مهاجرت افزایش می‌دهد یا عامل افزایش جدایی از متن اجتماعی می‌شود. گروه‌ها باید تحلیل پیچیده‌تر، ظرفیت‌ر یا طولانی‌مدت‌تری از مهاجرت داشته باشند. پژوهشگران استدلال می‌کنند که یافته‌های پژوهش می‌تواند توضیحی برای احساسات ضد‌مهاجرتی در بخش‌های تحصیل‌کرده‌تر جامعه ارائه دهد، اگرچه در میان این عده این احساسات کمتر رایج هستند. همچنین می‌تواند منمک‌کننده روند‌های چشمگیری در سطح جهانی در شکل‌گیری نگرش‌ها نسبت به مهاجرت باشد. در کشورهای غربی، فرض رابطه مثبت بین آموزش و این تصور که مهاجرت بیکاری را افزایش می‌دهد، پشتیبانی می‌شود. بحث انگیزه‌های اصلی مخالفت با مهاجرت ممکن است محدود به برداشت‌های «رقابت اقتصادی» و «تهدید فرهنگی» نباشد. این دو انگیزه‌ای هستند که محققان تاکنون بیش از همه روی آنها تمرکز کرده‌اند. انگیزه سوم متمایز و قابل قبول، این باور است که مهاجرت خطر درگیری اجتماعی بلندمدت بین‌گروهی را افزایش می‌دهد.

مقاله، سه دلیل را به‌عنوان انگیزه نگرانی مخالفان مهاجرت بر می‌شمارد: اصول فلسفی محافظه‌کاری، مبنای ارزش شخصی نگرش به مهاجرت و شواهد ترکیبی قبلی از اثرات مضر تقسیم‌بندی قومی. استفاده از داده‌های سنجش ارزش‌های جهانی طی ۲۰۲۰–۲۰۱۷ نشان داد که در بیشتر کشورهای جهان، شهروندان اغلب موافقت که مخالف مهاجرت باشند، به این دلیل که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود.

سطوح نگرانی در مورد اثرات مهاجرت بر درگیری اجتماعی بیشتر از نگرانی‌های مربوط به بیکاری یا فرهنگ در شانزده کشور مورد بررسی قرار گرفت که از نظر اقتصادی به‌طور نامتناسبی توسعه‌یافته‌اند. نگرانی در مورد تضاد اجتماعی از نظر مفهومی و تراجیبی متمایز است. این باور که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود، اولویت‌های سیاست مهاجرت را پیش‌بینی می‌کند، حتی زمانی که افراد به‌عنوان مهاجران اقتصادی مشخص شوند. با این حال، به‌طور منحصربه‌فردی، تلقی از آثار مهاجرت بر درگیری‌های اجتماعی به‌طور مثبتی با آموزش عالی پیش‌بینی شده است. تحقیقات آینده باید پویایی این مکانیسم متمایز را که تنوع در حمایت از مهاجرت را توضیح می‌دهد بیشتر در نظر بگیرد. در نهایت، ما همچنین شاهد چندین پیامد مکمل سیاسی از توضیح نظری سوم پیشنهادی خود هستیم. این باور که مهاجرت منجر به درگیری اجتماعی می‌شود ممکن است توسط بازیگران سیاسی که به دنبال سوءاستفاده از این نگرانی‌ها هستند تشدید شود. در واقع، چنین نگرانی‌هایی به‌طور مؤثر و زبانزدی موضوع اصلی قابل توجه کمپین‌های ضد‌مهاجرتی بوده‌اند، مثلاً اینکاپ پاول، عضو پارلمان انگلیس و پژوهشگر کلاسیک، در سخنرانی «ودخانه‌های خون» در سال ۱۹۶۸ پیش‌بینی کرد که مهاجرت منجر به درگیری‌های اجتماعی بین‌قومی خواهد شد. یافته‌های ما به‌طور عملی‌تری نشان می‌دهد که اگر چه هیچ رویکرد «یکسان متناسب با همه» وجود ندارد در برخی زمینه‌ها، رویکردهای جهانی معاصر علاقه‌مند به ادامه حمایت از مهاجرت، همچنین باید برای کاهش تلقی‌ها مهم‌تر از آن برای کاهش واقعیت‌های ناشی از درگیری‌های اجتماعی از طریق فرایندهای سیاسی محلی در سطوح دولتی و فرودولتی در سراسر جهان هدف‌گذاری کنند.